

جرم‌شناسی نظری
(گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)

جرج ولد
توماس برنارد
جفری اسنیپس

ترجمه‌ی علی شجاعی
با مقدمه‌ی دکتر محمد آشوری

تهران

۱۳۹۴



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	پیشگفتار مترجم
۸	دیباچه‌ی ویراست چهارم
۱۱	فصل اول: نظریه و جرم
۱۵	تیین‌های ماورای طبیعی
۱۷	تیین‌های طبیعی
۱۹	جرم‌شناسی کلاسیک
۲۰	جرم‌شناسی تحقیقی
۲۲	رفتار قانون کیفری
۲۶	ارتباط میان انواع چارچوب‌های سنجش
۲۹	فصل دوم: جرم‌شناسی کلاسیک
۲۹	پیش‌زمینه‌های اجتماعی و فکری جرم‌شناسی کلاسیک
۳۳	بکاریا و مکتب کلاسیک
۳۸	مکتب نئو کلاسیک
۳۹	ارزیابی نظریه‌ی بکاریا
۴۳	دربداشته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها
۴۵	فصل سوم: جرم‌شناسی تحقیقی
۴۶	گری و کتله
۵۲	سزار لومبروزو
۵۵	جرم‌شناسی نوین؛ راهی برای تحقیق در زمینه‌ی علل جرم

صفحه	عنوان
۵۷	ارتباط میان نظریه‌های تحقیقی و کلاسیک
۵۹	نتیجه‌گیری
۶۰	فصل چهارم: نظریه‌های مربوط به نمود جسمانی
۶۰	سیماشناسی و مجسمه‌شناسی
۶۳	انسان‌شناسی جنایی: [از] لومبروزو تا گورینگ
۶۸	نظریه‌های تیپ بدنی: [از] شلدون تا کورتز
۷۳	نتیجه‌گیری
۷۵	فصل پنجم: نظریه‌های مربوط به هوش
۷۵	ایده‌ها و مفاهیم زمینه‌ساز
۷۸	آزمونگری هوش و جرم
۸۳	بحث‌های کنونی: بزهاکاری، نژاد و هوشبهر
۸۹	تفسیر همبستگی میان بزهاکاری و هوشبهر
۹۲	منحنی بل
۹۳	نتیجه‌گیری
۹۵	فصل ششم: عوامل زیست‌شناسانه و رفتار مجرمانه
۹۶	مطالعات مربوط به خانواده
۹۹	پژوهش‌های مربوط به دوقلوها و فرزندخواندگی
۱۰۵	انتقال‌دهنده‌های عصبی
۱۰۷	هورمون‌ها
۱۱۰	دستگاه عصبی مرکزی
۱۱۲	دستگاه عصبی خودکار
۱۱۵	اجزای زیست‌شناسانه‌ی رفتار که واداشتی محیط-اند
۱۲۰	دربداشته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها
۱۲۱	فصل هفتم: شخصیت مجرم
۱۲۲	پیشینه‌ی تاریخی: روان‌پزشکی؛ سکوی پرشی برای نظریه‌ی روانکاوانه
۱۲۴	زیگموند فروید و روانکاوی

صفحه	عنوان
۱۲۷	تیین‌های روانکاوانه از رفتار مجرمانه
۱۳۱	پژوهش با استفاده از آزمون‌های شخصیت
۱۳۴	اختلال شخصیتی جامعه‌ستیز
۱۳۶	پیش‌بینی خطرناکی آینده
۱۳۹	رانشگری و جرم
۱۴۴	درب‌داشته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها
۱۴۶	فصل هشتم: جرم و شرایط اقتصادی
۱۴۷	پژوهش در مورد جرم و شرایط اقتصادی: تضادها و تناقض‌ها
۱۴۹	جرم و بیکاری: توجهی دقیق به پژوهش
۱۵۲	مشکلات مربوط به تفسیر پژوهش در زمینه‌ی جرم و شرایط اقتصادی
۱۶۱	درب‌داشته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها
۱۶۳	فصل نهم: دور‌کیم، بی‌هنجاری و مدرن‌گری
۱۶۴	امیل دور‌کیم
۱۶۷	جرم به مثابه‌ی [امری] بهنجار در جوامع مکانیکی
۱۷۱	بی‌هنجاری به مثابه‌ی یک وضعیت آسیب‌شناسانه در جوامع ارگانیک
۱۷۵	ارزیابی نظریه‌ی دور‌کیم از جرم
۱۸۱	نتیجه‌گیری
۱۸۴	فصل دهم: زیستبوم جرم
۱۸۴	نظریه‌ی زیستبوم انسانی
۱۸۸	پژوهش در مورد «نواحی بزه‌خیز» شیکاگو
۱۹۴	درب‌داشته‌های راهبردی
۱۹۵	نظریه و پژوهش اخیر در مورد محله‌ها به عنوان علل جرم
۲۰۰	زمینه‌های وضعیتی جرم
۲۰۴	نتیجه‌گیری‌ها
۲۰۶	فصل یازدهم: نظریه‌های فشار
۲۰۶	رابرت مرتون و بی‌هنجاری در جامعه‌ی امریکا

صفحه	عنوان
۲۱۴	تیین بزهکاری باند با نظریه‌ی فشار
۲۱۹	دربداشته‌های راهبردی
۲۲۰	افول و رواج دوباره‌ی نظریه‌های فشار
۲۲۵	فشار در افراد و جوامع: هیجان‌های منفی و بی‌هنجاری نهادی
۲۲۹	نتیجه‌گیری
۲۳۲	فصل دوازدهم: نظریه‌های یادگیری
۲۳۳	رهیافت‌های اصلی روان‌شناسانه در مورد یادگیری
۲۳۶	قوانین تقلید تارد
۲۳۷	نظریه‌ی معاشرت ترجیحی ساترلند
۲۴۲	پژوهش آزمونگر نظریه‌ی ساترلند
۲۴۴	محتوای یادگیری: نظریه‌های فرهنگی و خرده - فرهنگی
۲۵۲	فرایند یادگیری: نظریه‌ی یادگیری اجتماعی
۲۵۵	دربداشته‌ها
۲۵۷	نتیجه‌گیری‌ها
۲۵۹	فصل سیزدهم: نظریه‌های کنترل
۲۶۰	نظریه‌های اولیه‌ی کنترل: [از] ریس تا نای
۲۶۵	بزهکاری و سرگردانی ماتزا
۲۶۷	نظریه‌ی کنترل اجتماعی هیرسچی
۲۷۲	ارزیابی نظریه‌های کنترل اجتماعی
۲۷۵	از کنترل اجتماعی تا خودکنترلی: نظریه‌ی عمومی گات‌فردسون و هیرسچی ...
۲۸۰	نتیجه‌گیری
۲۸۲	فصل چهاردهم: معنای جرم
۲۸۳	معنای جرم از دید خویشتن: نظریه‌ی برچسب‌زنی
۲۸۹	معنای جرم از دیدگاه مجرم: وسوسه‌گری‌های جرم کاتز
۲۹۱	معنای جرم از دیدگاه جامعه‌ی بزرگ‌تر: کژروی و واکنش اجتماعی
۲۹۷	قدرت حکومتی و معنای جرم: کنترل - شناسی
۳۰۰	دربداشته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها

صفحه	عنوان
۳۰۲	فصل پانزدهم: جرم‌شناسی تضاد
۳۰۳	نظریه‌ی تضاد فرهنگی سلین
۳۰۳	نظریه‌ی تضاد گروهی ولد
۳۰۶	نظریه‌ی واقعیت اجتماعی جرم کوینی
۳۰۸	نظریه‌ی جرم‌انگاری ترک
۳۱۱	تحلیل چمبلیس و سیدمن از نظام عدالت کیفری
۳۱۴	مدل تضاد تلفیقی مک‌گارل و کاستلانو
۳۱۵	جرم‌شناسی ساختاری هاگن
۳۱۹	نظریه‌ی رفتار قانون بلک
۳۲۴	یک نظریه‌ی یکدست تضاد درباره‌ی جرم
۳۲۷	آزمونگری نظریه‌ی تضاد
۳۳۱	دربداشته‌های راهبردی
۳۳۳	نتیجه‌گیری
۳۳۴	فصل شانزدهم: جرم‌شناسی انتقادی
۳۳۵	مارکسیسم و جرم‌شناسی مارکسیستی
۳۴۶	پس - مدرنیسم و جرم‌شناسی پس - مدرنیست
۳۵۳	فمینیسم و جرم‌شناسی فمینیستی
۳۶۲	ارزیابی نظریه‌های انتقادی
۳۶۵	فصل هفدهم: جرم‌شناسی رشدنگر
۳۶۶	بحث کلان: حرفه‌های مجرمانه، پژوهش طولی و ارتباط میان سن و جرم
۳۷۰	تمایل مجرمانه در مقابل حرفه‌ی مجرمانه
۳۷۵	گذار به جرم‌شناسی رشدنگر
۳۷۸	نظریه‌ی میانکنشی تورنبری
۳۸۱	نظریه‌ی رده‌ی سنی کنترل اجتماعی نا-رسمی سامپسون و لوب
۳۸۳	نتیجه‌گیری

صفحه	عنوان
۳۸۵	فصل هجدهم: نظریه‌های تلفیقی
۳۸۶	نظریه‌ی تلفیقی الیوت و دیگران
۳۸۹	نظریه‌ی شرمساری باز- یکپارچه گر بریث ویت
۳۹۱	نظریه‌ی تراز کنترل تیتل
۳۹۶	مدل واره‌ی کلی ویلا
۳۹۸	مدل تلفیقی برنارد و اسنیپس
۴۰۴	نتیجه‌گیری
۴۰۶	فصل نوزدهم: ارزیابی نظریه‌های جرم‌شناسی
۴۰۷	علم، نظریه، پژوهش و راهبرد
۴۰۹	نظریه‌های تفاوت فردی
۴۱۷	نظریه‌های ساختار/فرایند
۴۲۶	نظریه‌های رفتار قانون کیفری
۴۳۰	نتیجه‌گیری
۴۳۲	واژه‌نامه‌ی فارسی - انگلیسی
۴۴۷	منابع و مآخذ

مقدمه

بزهکاری، همانند فقر، جهل و بیماری همواره در جوامع انسانی حضوری چشمگیر داشته است. اندیشمندان هر جامعه به دنبال حل این معما بوده‌اند که چرا عده‌ای از افراد مرتکب جرم می‌شوند و هنجارها و قواعد زندگی اجتماعی را نادیده می‌گیرند و حال آن که، بیش تر مردم به این قواعد پای‌بنداند و بدان به دیده احترام می‌نگرند. با این همه، باید گفت که پاسخ به این پرسش و تعیین عوامل ارتکاب جرم از گذشته‌های دور و تا اواخر قرن نوزدهم، بویژه از دیدگاه حقوقی و هر از گاهی از منظره ادبی و هنری و نه با استفاده از روش‌های علمی صورت پذیرفته است.

اعتقاد به آزادی اراده مجرم در ارتکاب جرم که ستون اندیشه‌های مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک قرن نوزدهم را تشکیل می‌داد و به دنبال آن پذیرش مسئولیت اخلاقی مجرم و اهداف سزادهی و انتقام، که در «مجازات جرم» ارتکابی ملحوظ می‌شد، همگی حکایت از سلطه دیدگاه‌های حقوقی صرف در تبیین عوامل ارتکاب جرم داشته‌اند؛ شاید بتوان گفت که در پهنه ادبی دیدگاه‌های ژرف‌تر و واقع‌گرایانه‌تری بر شناخت جرم و عوامل تکوینی آن حاکم بوده است و برخی ادبا و نویسندگان، به دور از تحلیل‌های حقوقی، درصدد لمس و ارائه جرم به عنوان یک «پدیده‌ی اجتماعی» برآمده‌اند. اگر ویکتور هوگو بویژه بر عوامل محیطی و اجتماعی در گرایش انسان‌ها به ارتکاب اعمال ضداجتماعی تکیه می‌کند و عملکرد کارگزاران قدرت حاکم و عمله ظلم در زمینه انحرافات ثانوی «بینوایان» به رشته تصویر می‌کشد، سعدی شاعر نامور ایرانی با نگاهی عمیق‌تر و در تردید بین عوامل «زیستی» و «اجتماعی» مؤثر بر ارتکاب جرم، گاهی تربیت «نااهل» را به علت سرشت و «بنیاد بد» وی غیرممکن و همانند قرار دادن «گردکان بر گنبد» می‌داند و گاهی محیط اجتماعی و خانوادگی را، پسر نوح از آن جهت مورد عتاب و سرزنش شاعر قرار می‌گیرد که «خاندان

نبوتش» را بر اثر هم‌نشینی با «بدان» از دست می‌دهد!

با پیدایش مکتب اثباتی ایتالیایی در ربع آخر قرن نوزدهم نگرشی علمی نسبت به پدیده مجرمانه شکل می‌گیرد و دانشی نوین به نام جرم‌شناسی که مطالعه علمی پدیده مجرمانه را عهده‌دار می‌شود، طیف رشته‌های تشکیل‌دهنده علوم کیفری را وسعت می‌بخشد. چنین است که از آن پس محققان با توسل به مشاهده و تجربه و با توسل به روش‌های پژوهش علمی به تبیین عوامل ارتکاب جرم و تلقی بزه به عنوان یک «پدیده اجتماعی» و نه یک «جوهر صرف حقوقی» می‌پردازند. ایده «مجرم مادرزادی» سزار لومبروزو، هر چند واقعیت علمی نداشت و به سرعت با تحقیقات بعدی و از همان سال‌های قبل از شروع جنگ جهانی اول مطرود اعلام شد، لیکن ارائه آن و به طور کلی دیدگاه‌های مکتب اثباتی ضربه‌ای شدید بر پیکر عقاید مکاتب پیشین وارد کرد؛ اگر مجرم «مجبور» به ارتکاب جرم است، دیگر پذیرش آزادی اراده و مسئولیت اخلاقی و به تبع آن اعمال مجازات بر او نمی‌تواند قابل توجیه باشد. چنین است که در مکتب اثباتی «مسئولیت اجتماعی» مجرم جایگزین مسئولیت اخلاقی او می‌شود و اقدامات تأمینی که متعاقب بر تشخیص حالت خطرناک باید از سوی قضات و سایر مسئولان اتخاذ شود، به جای مجازات توصیه می‌گردد و مجرم این «نورسیده حقوق کیفری» به تعبیر شادروان مارک آنسل به «مرکز ثقل حقوق کیفری» تبدیل می‌گردد.

ضرورت توسل به روش‌های علمی جهت بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر بزهکاری سبب شد که بویژه بعد از جنگ جهانی دوم به تدریج از بحث‌های فلسفی جبر و اختیار صرف نظر گردد و جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان به ارائه تئوری‌های گوناگونی که به زعم هر یک از آنان قادر به تبیین عوامل مؤثر بر جرم و انحراف و ارائه راه‌حل‌های پیشگیرانه باشد، مبادرت ورزند. تذکر این نکته لازم است که خاستگاه تئوری‌های نوین در زمینه جرم‌شناسی، بویژه در نیمه دوم قرن بیستم، ایالات متحده امریکای شمالی است که علت آن را از یک سو باید در افزایش سریع و متنوع جرایم بویژه از نوع خشونت‌بار آن در این کشور، و از سوی دیگر عنایت خاص جامعه‌شناسی امریکایی به مسائل جرم و انحراف در کنار بررسی سایر آسیب‌های اجتماعی دانست. و حال آن که در کشورهای اروپای غربی و

به تبع آن کشورهای در حال توسعه تا چند دهه اخیر اغلب این حقوق‌دانان و نه جامعه‌شناسان بودند که هم‌زمان با بررسی جرم به عنوان پدیده حقوقی، بررسی جرم‌شناختی آن را نیز عهده‌دار گردیده‌اند.

با این همه و علیرغم همه نظریه‌های ارائه شده، به علت سرشت پیچیده آدمی و تعامل عوامل فراوانی که بزه از آن ناشی می‌شود، راه‌حل‌های منتخب و نتایج به دست آمده چندان امیدوارکننده نیستند: جرایم خشونت‌بار تقریباً در همه کشورها به شدت رو به افزایش نهاده و جنگ که انیشتین آن را «به بزهکاری تمام‌عیار ملتی علیه ملت دیگر» تعبیر کرده است، زمینه گسترش اعمال خشونت‌بار را حتی مدت‌ها پس از پایان یافتن آن در سراسر جهان فراهم کرده است. بدون تردید جهش‌های بزرگ اقتصادی و رفاه مادی ناشی از آن و استفاده از وسایل پیشگیری و ایمنی فردی به مهار و حتی کاهش برخی از اشکال جرایم سنتی علیه اموال در کشورهای با فن‌آوری پیشرفته منجر شده است. ولی، جرایم فراملی و بزهکاری سازمان‌یافته بویژه در ارتباط با قاچاق مواد مخدر (با ۱۸۰ میلیون نفر مصرف‌کننده معادل ۴/۲ درصد جمعیت بالای ۱۵ سال در جهان)، قاچاق زنان و اطفال و معامله فحشاء، قاچاق اسلحه و اعضای بدن انسان همه کشورهای جهان اعم از ثروتمند و فقیر را بویژه در چند دهه اخیر در معرض تهدیدات جدی قرار داده است تا آن‌جا که جرم سازمان‌یافته از سوی سازمان ملل متحد به «شکل خاصی از اقتصاد» موجود در جهان تعبیر شده است که قادر است برخی دموکراسی‌های آسیب‌پذیر را به مخاطره اندازد. جهانی شدن بزهکاری ضرورت همکاری کشورها را در سطح جهانی و تحت هدایت سازمان ملل متحد فراهم آورده است. کنگره‌های بزرگ سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با محکومان که هر ۵ سال یکبار پس از جنگ جهانی دوم تشکیل شده است و بویژه دهمین کنگره که در آوریل ۲۰۰۰ در وین تشکیل گردید، مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و بویژه فساد اداری در سطح جهانی را (که هر گونه برنامه‌ریزی در زمینه توسعه انسانی را فلج می‌کند) در دستور کار خود قرار داده‌اند. تردیدی نیست که نظریه‌های ارائه شده در زمینه مبارزه با جرایم سنتی کارایی لازم را جهت مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی ندارند و بخش اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد نیز با برگزاری کنگره‌های پنج‌ساله دستیابی به راه‌کارها و نظریه‌های نوینی را که قادر به حل معضل در سطح جهانی باشد، مدنظر دارد. بی‌شک و

علیرغم همه نظریه‌های ابرازی، بزهکاری به حیات خود ادامه خواهد داد و تنها تأثیری که شناخت علمی جرم و نظریه‌های نوین می‌تواند در بر داشته باشد، نه از بین بردن جرم که مهار و کنترل آن و جلوگیری از افزایش بی‌رویه آن است. شاید لازم باشد پس از یک قرن این دیدگاه امیل دورکیم که جرم را «پدیده‌ای عادی» و «جزء لاینفک» جامعه انسانی می‌داند، مورد تأمل بیش‌تری قرار گیرد.

کتابی را که خوانندگان عزیز پیش روی دارند، یکی از جامع‌ترین کتاب‌های درسی است که در زمینه جرم‌شناسی نظری تدوین شده است. هدف مؤلفان از تدوین آن، به گونه‌ای که خود متذکر شده‌اند، ارائه نظریه‌هایی است که از حدود دو قرن پیش به این طرف به تبیین عوامل جرم‌زا و راه کارهای پیشگیرانه پرداخته‌اند. علاقه ویژه مترجم این اثر آقای علی شجاعی که همکاری صمیمانه‌ای را از مدت‌ها پیش با مؤسسه علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران داشته‌اند، به مقولات حقوق کیفری و جرم‌شناسی و پشتکار قابل تحسین ایشان که اینجانب از نزدیک شاهد آن بودم، از جمله عواملی است که برگردان این کتاب را که در نهایت دقت و امانت انجام شده است، امکان‌پذیر ساختند. تردید نیست که این اثر جالب، در کنار سایر آثار موجود به اعتلای دانش جرم‌شناسی که در کشور ما در سال‌های اخیر از مختصر رونقی برخوردار شده، کمکی شایان خواهد کرد.

تقدیم به:

دکتر سید علی آزمایش

دکتر داریوش آشوری

دکتر محمد آشوری

دکتر شهلا معظمی

پیشگفتار مترجم

این اثر، کتابی است در زمینه‌ی نظریه‌های جرم‌شناسی که سیر تحولی این نظریه‌ها را در عرصه‌ی تاریخ از آغاز تا کنون با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه بررسی می‌کند. علت انتخاب این کتاب برای ترجمه، افزون بر تعلق خاطر مترجم به بحث‌های نظری، سودمند بودن آن است؛ چرا که نویسندگان کتاب با دقت و ژرف‌نگری کامل به خوبی به بررسی انتقادی نظریه‌های جرم‌شناسانه پرداخته، در آخر نیز بر اساس نظریه‌ی پیشنهادی خود، تفسیری کلی از حوزه‌ی نظریه‌پردازی در جرم‌شناسی ارائه داده‌اند. عنوان کتاب همان *جرم‌شناسی نظری* است، ولی این عنوان بویژه با تقسیم‌بندی آقای گسن خیلی مطابقت ندارد و از این رو، مترجم عنوان فرعی «گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی» را برگزید. خدای را سپاسگزارم - ام که این توفیق را ارزانی داشت تا بتوانم ادای دینی - هر چند کوچک - کرده باشم.

در ترجمه‌ی کتاب سعی بر این بوده که افزون بر رعایت امانت‌داری و وفاداری به متن، از ترجمه‌ی تحت‌اللفظی پرهیز شود. داوری در این باره که مترجم تا چه اندازه توانسته از عهده‌ی این کار برآید، بر عهده‌ی خواننده است. افزون بر آن، مترجم دغدغه‌ی خاطر دیگری نیز داشته و آن، استفاده از واژه‌های فارسی و تا حد امکان فارسی‌نویسی است (بی‌آن که بخواهد به ورطه‌ی افراط بیفتد). ولی، در برخی از موارد، برای برخی از واژه‌ها برابرنهاده‌ی مناسبی که بتواند درست همان معنا را انتقال دهد، یافت نشد (برای نمونه،

دیسپلین، رادیکال و...). از این رو، همان واژه‌ی لاتین برگزیده شده است. برابرنهاده‌ها بیش‌تر از فرهنگ علوم انسانی دکتر داریوش آشوری انتخاب شده است. باید کار پژوهشگرانی چون دکتر داریوش آشوری را در انتخاب برابرنهاده‌ها و تلاش برای توانمند کردن زبان فارسی ارج نهاد و با نقد مداوم کار آن‌ها به یاری‌شان برخاست تا بتوان یک زبان علمی کارآمد و روزآمد بنا نهاد.

شاید انتخاب برخی از برابرنهاده‌ها در نظر خوانندگان نامأنوس باشد (همچنان که برای بسیاری از دوستان چنین بود و به همین خاطر به شدت انتقاد می‌کردند که این کار باعث پیچیدگی غیرضروری متن شده است). ولی، بر این باورم که خیلی از این برابرنهاده‌ها به خوبی از عهده‌ی انتقال معنا برمی‌آیند و در آینده جای خود را در زبان فارسی باز خواهند کرد و شایسته نیست که تنها به خاطر نامأنوس بودن از آن‌ها روی برگردانیم.

در متن اصلی کتاب، تمامی ارجاع‌ها در هر صفحه به طور جداگانه در پاورقی آورده شده است. به خاطر پرهیز از شلوغی متن، تصمیم گرفته شد که در متن کتاب هر جا ارجاعی داده شده، نام نویسنده و سال انتشار در داخل قلاب و فهرست کامل ارجاع‌ها در انتهای کتاب آورده شود. هم‌چنین، برای پرهیز از شلوغی متن، برابرنهاده‌های لاتین برخی از واژه‌ها در پاورقی نیامده، بلکه در آخر کتاب به صورت واژه‌نامه‌ی فارسی-انگلیسی ارائه شده و در متن کتاب نیز بالای واژه‌هایی که برابرنهاده‌ی آن‌ها در واژه‌نامه آمده، علامت ستاره‌ای قرار داده شده است.

ترجمه‌ی این کتاب مرهون لطف و بزرگواری عزیزانی است که بی‌کمک‌های مادی و معنوی ایشان این کار به بار نمی‌نشست. نخست باید از استاد ارجمند-ام جناب آقای دکتر آشوری - رئیس مؤسسه‌ی تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران - تشکر کنم که از هیچ لطفی برای آماده شدن و چاپ کتاب دریغ نکردند و با مقدمه‌ی خود کتاب را زینت بخشیدند. از استاد فرزانه‌ام جناب آقای دکتر آزمایش نیز سپاسگزارم-ام که مرا رهین منت خویش ساختند و با مطالعه‌ی دو فصل پایانی کتاب، پیشنهادهای ارزنده‌ای نیز ارائه دادند. از استاد گرامی‌ام جناب آقای دکتر عبداللّهی نیز بسیار متشکرم که با صبر و حوصله‌ی فراوان و با رویی گشاده مترجم را در ترجمه‌ی بسیاری از عبارت‌ها و واژه‌ها

کمک نمودند و برخی از اشتباهات مترجم را تذکر دادند. دوست عزیزم جناب آقای امیرحسین کردوانی نیز تقریباً نیم اول ترجمه را با متن اصلی مطابقت داده و پیشنهادهای بسیار مفیدی ارائه دادند که صمیمانه از ایشان سپاسگزارم. ام. از دوست ارجمند دیگرم جناب آقای مهرداد رایجیان اصلی نیز بسیار سپاسگزارم که با دقت و تیزی خاصی خود تمامی متن را خواندند و با پیشنهادهای خود باعث یکدست شدن متن شدند. ناسپاسی ست اگر از دوست متفکرم جناب آقای محمداقاسم قاسمی یاد نکنم؛ کسی که بیش از همه مشوق من در راه یادگیری زبان انگلیسی بود. از دست اندر کاران انتشارات سمت بویژه خانم هاشمی و خانم کتاب‌الله‌زاده نیز بسیار متشکرم. ام که برای چاپ این اثر صمیمانه همکاری کردند و از هیچ کوششی فروگذار نکردند. توفیق تمامی این عزیزان را از یزدان پاک خواستارم.

این اثر، نخستین کار جدی مترجم در زمینه‌ی ترجمه است و بی تردید خالی از اشتباه نیست. از تمامی استادان، دانش‌پژوهان، دانشجویان و سایر عزیزان صمیمانه تقاضا دارم که منت نهاده، انتقادهای و پیشنهادهای خود را با مترجم در میان بگذارند. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که زحمت نقد کتاب را به خود می‌دهند، تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

علی شجاعی

اسفند ۱۳۷۹

دیباچه‌ی ویراست چهارم

یازده سال از انتشار سومین ویراست کتاب *جرم‌شناسی نظری* می‌گذرد. دلایل این تأخیر طولانی در انتشار ویراست چهارم، از دیدگاه آنچه در این ویراست در جست‌و‌جوی انجام آن بوده‌ایم، جالب توجه است.

نخست در سال ۱۹۹۰ کار بر روی ویراست چهارم را آغاز کردم، ولی در حالی که در حدود یک سوم کار انجام شده بود، آن تلاش به تدریج متوقف شد. سرشت به‌هم‌پیوسته و پیچیدگی فزاینده‌ی نظریه‌ی جرم‌شناسی، تقسیم این حوزه را به سلسله‌ای از فصل‌ها - آن‌گونه که در یک متن درسی ضرورت دارد - برای‌ام مشکل ساخت. سرانجام، آن شیوه‌ی سازماندهی مطالب راضی‌ام نکرد، ولی در آن هنگام قادر به مفهوم‌سازی دوباره نبودم. افزون بر آن، بسیاری از مطالب پیشین را کنار گذاشته بودم؛ به گونه‌ای که، می‌توانستم کار اخیر را به صورت کامل‌تر و با حفظ تقریبی حجم کتاب ارائه دهم. در نهایت، متوجه شدم که ارائه‌ی مطالب به طور کامل و نیز نبود مطالب پیشین ممکن است باعث شود کتاب برای خوانندگان کم‌تر قابل فهم و مفید باشد.

سهم عمده‌ی این کتاب در حوزه‌ی جرم‌شناسی این بوده که یک بررسی یکپارچه، دقیق و قابل فهم از نظریه‌ها در بستر تاریخی و اجتماعی‌شان فراهم آورد. من ریسمان این سهم عمده را از دست داده بودم. بنابراین، بازنگری‌ای را که شروع کرده بودم، به کناری نهاده، تصمیم گرفتم زمانی بدان بازگردم که نسبت به این کار احساسی بهتر پیدا کنم.

در همین زمان، درباره‌ی دو موضوع مرتبط با نقش نظریه در جرم‌شناسی کار می‌کردم. در فرایند کار بر روی ویراست‌های پیاپی این کتاب، متقاعد شده بودم که جرم‌شناسی ناتوان از پیشرفت علمی‌ست. برای نمونه، در هر یک از ویراست‌های پیاپی، بخشی از مطالب را به طور کامل حذف می‌کردم؛ زیرا بر این اعتقاد بودم که هیچ‌کس به

آن‌ها علاقه‌ای ندارد. ولی، هیچ‌یک از مطالب را به خاطر این که فکر کنم ابطال شده‌اند، حذف نکرده بودم. این مسأله حاکی از نبود متحیرکننده‌ی پیشرفت علمی طی چهل سال پژوهش رو به فزونی پر قدرت و پیچیده است.

در آغاز، نگرانی‌های ام را درباره‌ی این وضعیت در سال ۱۹۹۰ در مقاله‌ای با عنوان «بیست سال آزمون نظریه‌ها: چه یاد گرفته‌ایم و چرا» ارائه کردم. در آن مقاله، رهیافتی پوپری، همراه با تأکیدی بر چگونگی ابطال نظریه‌ها به منظور خلاصی از آن‌ها، برگزیدم. در همین زمان، بر روی تلفیق نظریه‌های جرم‌شناسی کار می‌کردم. به نظر من، به عنوان شیوه‌ای برای کاهش شمار نظریه‌ها در جرم‌شناسی، تلفیق جای‌گزینی‌ست برای ابطال. وقتی بدین باور رسیدم که به خاطر این که پژوهش بیانگر نظریه‌ها نبوده‌اند، ابطال‌گری عمدتاً به شکست انجامیده، هم‌چنین بر این باور شدم که اگر نظریه‌ها به طور مناسبی مشخص شوند، در آن صورت تلفیق بسیار گسترده‌تری در میان آن‌ها آشکار می‌شود.

تمامی این موضوع‌ها در سال ۱۹۹۶ در مقاله‌ای با عنوان «تلفیق نظری» نوشته‌ی جف اسنیس جمع شد. این مقاله تأکید پوپر بر ابطال را به کناری نهاده، یک رهیافت «عامل خطر» برمی‌گزیند که امکان‌پذیری‌های ساختمان را بررسی می‌کند. این رهیافت تلفیقی عالی تأکید بر کارآمدی تجربی نظریه‌ها را حفظ می‌نماید، ولی به دربرداشته‌های راهبردی اولویت می‌دهد. هم‌چنین، آشکار می‌سازد که پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در جرم‌شناسی وجود داشته است، ولی نه در شکل ابطال نظریه‌ها.

در نوشتن ویراست چهارم کتاب *جرم‌شناسی نظری جف* به عنوان دستیار به من پیوست و در فصل جدید نتیجه‌گیری، حوزه‌ی جرم‌شناسی را بر این اساس تفسیر می‌نمایم. جف – در مقام دستیار – توانایی قوی‌ای در خلاصه نمودن دقیق و سازمان دادن به نظریه و پژوهش موجود جرم‌شناسی از خود نشان داد. سرانجام، این مسأله متضمن داشتن یک حس شهودی خوب از نظریه‌ها و چگونگی عملکردشان می‌باشد. فراتر از آن، وی دیدگاه تازه‌ای در حوزه‌ی جرم‌شناسی و سازماندهی کلی کنونی آن به جای می‌گذارد. این، یکی از موانع مهم در تلاش آغازین ام برای بازنگری این کتاب بود و جف شماری از مشکلات ام را با اشتیاق و به آسانی حل نمود. در نهایت، جف در مقایسه با من، مهارت‌های کمیته‌ی

خیلی بهتری داشت. این مهارت‌ها امروزه در مقایسه با گذشته از اهمیت بسیار بیش‌تری برخوردار-اند و در آینده به موازات توسعه‌ی جرم‌شناسی به گونه‌ی فزاینده‌ای مهم خواهند بود.

هدف این ویراست، همانند ویراست دوم و سوم، به دست دادن متنی کاملاً روزآمد است؛ به شیوه‌ای که، با ویراست پیشین پیوستگی داشته و نیز حجم زیادی مطالب جدید معرفی کند. ولی، فراتر از آن، بر این باور-ام که این ویراست کتاب را برای همراهی با پیچیدگی فزاینده‌ی حوزه‌ی جرم‌شناسی و نرخ دگرگونی درون آن نیز ساخت‌بندی می‌کند. بر این باور-ام که با این ویراست، کتاب جرم‌شناسی نظری برای حرکت با پیشرفت جرم‌شناسی در زمان‌های بعد به خوبی ساخت‌بندی شده است.

از دایانا فیش‌بین برای ارائه‌ی تفسیرهای گسترده و پیشنهادهایی در مورد فصل مربوط به زیست‌شناسی متشکریم. هم‌چنین، از وین آس‌گود و لین گودستین به خاطر مطالعه و شرح بخش‌های متعددی از کتاب، و از کیم منارد و مارک موتیوانز به خاطر مطالعه و ارائه‌ی توضیحاتی درباره‌ی کل مطالب کتاب متشکریم. البته، مسؤولیت هرگونه اشتباه یا جاافتادگی تنها متوجه نویسندگان است.

توماس برنارد

دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا

مارس ۱۹۹۷